

چند مورد محض نمونه: اول، صرفاً انتشار ترجمه‌هایی که از کیفیت لازم برخوردارند، کاری بس دشوار در این آشفته‌بازار ترجمه در ایران، خاصه میان اقتصاددانان؛ دوم، انتخاب هدفمند و سیستماتیک مقالاتی که برای ترجمه برگزیده می‌شوند؛ سوم، پرهیز از کوتاه‌کردن و اقتباس نامنظم مقالات، از جمله احتراز از حذف کردن عناصر اصلی مقاله مثل پانوشت‌ها و کتابنامه و غیره؛ چهارم، رعایت برخی معیارهای حداقلی از قبیل تهیه فهرست کامل مطالب نشریه و یکسان‌سازی شیوه نگارش در کل صفحات و استفاده از شیوه‌ای واحد برای ضبط اسامی خاص در مقالات گوناگون و غیره. رعایت ضوابط حرفه‌ای در اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه در تأسیس جایگاه و پناهگاهی برای انتشار مقالات اقتصادی ترجمه‌ای و اقبال بیش از پیش اهل حرفه و از این رهگذر کاستن از عدم توازن میان مقالات تألیفی و ترجمه‌ای بی‌تردید نقشی اساسی دارد.

محمد مالجو

کتابخانه ۱۲۰

نظریه‌ها و توطئه‌ها^۱

اندک زمانی بعد از حمله اسرائیل به لبنان در ۱۴ ژوئیه امسال بسیاری از ناظران امر این ادعای اسرائیل و آمریکا را زیر سؤال بردند که سعی داشت لشکرکشی مزبور را تحت عنوان

واکنش به اقدام حزب‌الله در «ربودن» دو سرباز اسرائیلی در دو روز قبل، توجیه کند. نخست آنکه اسرائیل و حزب‌الله بیشتر نیز بدون اینکه به جنگ یکدیگر بروند، در مقام تبادل اسیر برآمده بودند. از سوی دیگر این لشکرکشی گسترده و «غیرمتناسب» با برجای گذاشتن بیش از ۱۸۰۰ کشته، ۴۰۰۰ مجروح، یک میلیون آواره و بمباران زیرساخت‌های غیرنظامی، جاده‌ها، خانه‌ها، پل‌ها، نیروگاه‌ها و فرودگاه‌ها با یک واکنش «عادی» در قبال این آدم‌ربایی کوچکترین تناسبی نداشت. و بالاخره آنکه معمولاً کشورها در طی دو روز وارد جنگ نمی‌شوند؛ بر پا داشتن جنگ با اهداف روشن، مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و تدارک گسترده است. به عبارت دیگر همان‌گونه که سیمور هرش در مقاله‌ای در نیویورکر ۲۱ اوت ۲۰۰۶ نشان داد دولت اسرائیل از مدت‌ها پیش برای نابودی حزب‌الله و توان نظامی‌اش این لشکرکشی را در مشارکتی تنگاتنگ با امریکایی‌ها تدارک دیده بود. هدف آن بود که از این طریق هم خطری که اسرائیل را تهدید می‌کرد برطرف شود و هم در صورت حمله آمریکا به تأسیسات نظامی ایران از احتمال اقدامات تلافی حزب‌الله جلوگیری شود. در واقع اسرائیل فقط دنبال بهانه‌ای بود که حزب‌الله نیز با گروگانگیری دو سرباز اسرائیلی آن را فراهم کرد.

مشکل توطئه‌گرایی

محافل حاکمه معمولاً با متهم ساختن راویان این نوع روایات متفاوت و مخالف‌خوان به دست یازدیدن به «نظریه توطئه»، در مقام مقابله بر می‌آیند. این تهمت چه پایه و اساسی دارد؟ پایه و اساس چندانی ندارد. «نظریه توطئه» یا «توطئه‌گرایی» که از یک بار مفهومی منفی برخوردار است در اصل به آثار مورخانی اشاره دارد که سعی می‌کنند بسیاری از تحولات و رخداد‌های تاریخی را حاصل اهداف و برنامه‌ریزی‌های مخفی صاحبان قدرت توصیف کنند. در مجموع این بیشتر تحولات عمده و رخداد‌های بزرگ تاریخ است که موضوع بحث این گونه نظریه‌ها قرار می‌گیرند. ولی امروزه این مقوله در کاربردی عمومی‌تر، صورتی تعمیم‌یافته پیدا کرده و به شکلی روایی این پیش فرض را مطرح می‌کند که در پس بسیاری از رخداد‌های کوچک و بزرگ و در عین حال ناگوار اجتماعی و سیاسی، برنامه‌ای متمرکز، سری و غیرقانونی نهفته که دست‌یخت افراد و نهادهای قدرتمند است. با این حال شیوع توطئه‌گرایی، با تمام مفاهیمی که می‌تواند داشته باشد - در هر سنت روشنفکری و فرهنگ سیاسی - بیانگر نقیصه‌ای اساسی است. زیرا یک چنین دیدگاهی نه فقط از یک رشته کاستی‌های اساسی معرفت‌شناسانه برخوردار است بلکه تبعات اجتماعی و سیاسی ناگواری را نیز به همراه دارد. این دیدگاه در جایگاه مقابل هر نوع نقد و تأمل قرار دارد.

تحقیق و پژوهش را خوار می‌شمرد، مروج کلی مسلکی است و توجیه‌گر انفعال. ذهنیت‌های توطئه‌نگر نمی‌توانند از عهده درک این مطالب برآیند که نقشه‌ها و دسایس طرح شده می‌توانند نقش بر آب شوند، تعدیل گردند یا با مقاومت مخالفان، بروز عوامل پیش‌بینی نشده، اشتباهات و یا پیش‌آمد تصادف‌هایی روبرو گردند. به علاوه در این دیدگاه به دینامیسم ساختاری نحوه شکل‌گیری یک تصمیم یا چگونگی صورت گرفتن یک واقعه توجه کافی مبذول نمی‌شود.

معمولاً گفته می‌شود که دیدگاه توطئه‌نگر در خاورمیانه جایگاهی پایدار یافته و تقریباً هر عمل سیاسی ناخوشایندی به دسایس داخلی و خارجی نسبت داده می‌شود.



برای مثال یکی از نمایندگان اسلام‌گرای مجلس مصر در سال ۲۰۰۲ ادعا کرد که هزینه‌های حوله‌های بهداشتی‌ای که وزارت علوم برای مدارس دخترانه فراهم کرده، از سوی یک شرکت آمریکایی - یهودی تأمین شده است که می‌توانند به «نازایی» دختران مصری منجر شوند. و یا هنوز ایرانیانی هستند که بر این باورند که انقلاب اسلامی یک طرح انگلیسی بود برای پایان دادن به نفوذ آمریکا در ایران.

نظام‌های خودکامه نیز معمولاً بر این اساس و با تکیه بر یک چنین بیم و هراس واقعی یا نمایشی خود بهانه‌ای می‌یابند جهت سرکوب مخالفان و اعمال مراقبت بیشتر و متهم ساختن مخالفان به همکاری با «دشمن غربی» یا زیر سؤال بردن «منافع ملی» و «ارزش‌های سنتی».

برخی از ناظران امر، منشأ شیوع دیدگاه‌های توطئه‌نگر را در خاورمیانه، در عواملی چون زوال تاریخی مسلمان‌ها به عنوان یک نیروی سیاسی و اقتصادی و یا چیرگی نظام‌های خودکامه بر منطقه جستجو می‌کنند. گروهی دیگر نیز از نوعی تقدیرگرایی نهفته در اسلام یاد می‌کنند که مسلمین را مستعد دیدن یک دست پنهان در پس هر واقعه و رخداد غیرقابل توضیح می‌سازد. تحقیر حاصل از فرادستی غرب استعمارگر و بعدها نیز اسرائیل در ریشه دواندن این مرض توطئه‌انگاری بی‌تأثیر نبوده است.

توطئه‌های واقعی

در عین حال که خودکامگی نقش مهمی در طرح و بسط دیدگاه‌های توطئه‌نگر ایفا می‌کند، ولی موضوع تقدیرگرایی جای بحث دارد زیرا اختیار و خردگرایی نیز از مؤلفه‌های مهم سنت روشنفکری اسلامی است. پرسشی که می‌توان طرح کرد آن است که چرا بیشتر مسلمان‌های حوزه خاورمیانه در معرض چنین دیدگاه‌هایی قرار دارند و نه مثلاً مسلمان‌های جنوب شرق آسیا؟

واقعیت امر - که معمولاً بسیاری از منتقدان نظریه توطئه نیز آن را نادیده می‌گیرند - آن است که لابلای انبوهی از خیالپردازی و تصورات توطئه‌نگر، مجموعه‌ای از توطئه‌های واقعی نیز رخ می‌دهند که می‌تواند بر ذهنیتی که نسبت به ناشناخته نگران است، از بیگانه‌مشکوک و نسبت به مراکز قدرت نیز بی‌اعتماد، تأثیر گذاشته و آنهایی را که برای نقد شنیده-هایشان از دانش و ابزار لازم برخوردار نیستند، به نحوی وسیع و گسترده تحت تأثیر قرار دهد.

تحولات تاریخی خاورمیانه معاصر با انبوهی از دسایس استعماری، استراتژی‌های تفرقه‌انداز و حکومت‌گن، کودتاهای مختلف و اخیراً نیز تعویض رژیم توأم بوده است. در واقع تحریک و توطئه، و طرح عملیات مخفی کار اصلی سرویس‌های اطلاعاتی چون سیا، کا.گ.ب و موساد است. سیا در ۱۹۵۳ طی طرح‌ریزی کودتایی دولت دکتر محمد مصدق را سرنگون

کرد و بدین ترتیب به یک تجربهٔ منحصر به فرد دموکراتیک در ایران قرن بیستم خاتمه داد. موساد از طریق مأموران مخفی خود در جهان عرب، درگیر عملیات سری مختلف و متعددی بوده است. حتی در سال‌های دههٔ ۱۹۶۰ الی کوهن یکی از مأموران موساد توانست به عالی-ترین رده‌های حکومتی حزب بعث سوریه - تا سطح رهبری تشکیلات اطلاعاتی دمشق - رخنه کند. فیلم مونیخ اسپیلبرگ پاره‌ای از این عملیات مخفی را به تصویر کشیده است. تصرف عراق در جستجوی تسلیحات کشتار جمعی‌ای که وجود نداشت و جنگ اخیر بر ضد لبنان نیز گوشه‌هایی دیگر از این رشته دسایس را نشان می‌دهد.

در عین حال که لازم است از هر گونه رؤیابردازی‌های توطئه‌گرایانه پرهیز کرد، باید با کسانی هم که به نام «تئوری توطئه» قصد دارند از سعی و تلاش برای شناسایی توطئه‌های واقعی جلوگیری کنند، مقابله کرد. «نظریه توطئه» و تحقیق نقادانه تفاوت‌هایی اساسی وجود دارد. در حالی که توطئه‌گرایی بر حسب عادت یا به اقتضای طبع بر این فرض حرکت می‌کند که تمام یا اکثر رخداد‌های ناخوشایند حاصل دسایس و برنامه‌ریزی‌هایی مخفی هستند، تحقیق نقادانه احتمال آن را که پاره‌ای از رخدادها ریشه در دسیسه و توطئه داشته باشند، نفی نمی‌کند. در واقع برخلاف توطئه‌گرایی که روایت خود را حقیقت مطلق فرض می‌کند - روایتی که

معمولاً از یک پیوند منطقی برخوردار نبوده و با عرف خرد جمعی نیز ناسازگار می‌باشد - تحقیق نقادانه بنای کار خود را بر اساس ملاحظات انتقادی استوار کرده، به کشف نقاط ناسازگار و ناهمگن می‌پردازد و سعی دارد از طریق جستجوی دلیل و برهان به فرضیه‌هایی شکل - دهد که راهنمای بررسی‌های بیشتر باشند.

به عبارت دیگر هدف بررسی انتقادی همان هدفی است که امیر هاس روزنامه‌نگار معتقد است ژورنالیسم مسئول و متعهد در پیش دارد، یعنی «تحت نظر قرار دان مراکز قدرت». هم نظریهٔ توطئه در مقام تخطئهٔ تحقیق انتقادی است و هم روایات تشکیلات حاکمه؛ اولی از آن رو با هر گونه بررسی جدی مخالفت می‌ورزد که از پیش فرض‌هایش اطمینان کامل دارد و دومی نیز از آن روی که در لباس مخالفت با این نظریه، هر گونه انتقادی را خاموش سازد. نظریهٔ توطئه به همان اندازه‌ای مخّل حقیقت است که سربوش نهادن بر توطئه - های واقعی، مخّل عدالت.

آصف بیات

مکتب ۱۲۳

یادداشت‌ها:

۱. این مقاله نخست در نشریه ذیل منتشر شد: ISIM,